

به بهانه بازپخش کلکسیون جریده "نداء خلق"

محمد قاسم آسمایی

نشر جریده شمس النهار (سال ۱۸۷۳ میلادی)، آفتاب تابانی بود که برای بار نخست خط فکری نوین را که همانا مبارزه بی امان بین جهل و دانش، تاریکی و روشنی است؛ در تاریخ کشور بنیاد نهاد و شیوه پخش افکار و ارزش های انسانی را به شکل مطبوع در وطن معمول و مروج ساخت و سپس این شیوه، خواستها و اهداف آزادیبخش را نشریه های دیگر چون سراج الاخبار، امان افغان و ده ها نشریه دیگر ادامه دادند. این نشریه ها بر علاوه اینکه نقش بسیار مهم و ارزنده را در امر بیداری مردم در آن مقاطع گوناگون زمانی ایفا نموده است، بیانگر تلاشهای بیشمار پیشگامان مبارزه با استبداد مسلط بر جامعه ماست که با تحمل درد و رنج فراوان و قبول کردن سال ها زندان، پرچم مبارزه و آزادی خواهی را بزمین نگذاشتند و راه را برای نسلهای بعدی باز نمودند.

در همین راستا بازپخش جریده وزین و تاریخی نداء خلق در کهکشان انترنیت، امکان آنرا میسر میسازد تا پژوهشگران و منوران افغان با يك بخشی از مبارزه و پیکار بزرگان اندیشه های رهبران و فعالان مشروطیت سوم افغانستان و منجمله با مبارزه و اندیشه های یکی از پیشکسوتان رهبران آن جنبش و صاحب امتیاز جریده نداء خلق، آزادیخواه شجاع زنده یاد عبدالرحمن محمودی فقید آشنا گردند. محمودی کبیر که نام بزرگش جاودان باد از مفاخر نهضت مترقی آنوقت میباشد که با تعهد و جسارت بخاطر عدالت، مساوات و ترقی اجتماعی رزمید.

در اینجا قابل یادآوری است که به روایت یکی از شرکت کنندگان نخستین گردهمایی زنده یاد ببرک کارمل برای کمپاین انتخابات دوره دوازدهم شورا (۱۳۴۴)، موصوف ضمن صحبت با باشندگان محله های هندوگنر، خرابات و شور بازار کابل، شاید اولین کسی بوده که بعد از وفات داکتر عبدالرحمن محمودی به صورت علنی و با کمال احترام از جایگاه رفیع این وطن دوست پرشور و خادم صادق وطن یاد کرد و رسالت خود و نیروهای مترقی را تداوم راه این بزرگ مرد، در جهت برابری، ترقی و عدالت اجتماعی دانست.

تدوین کلکسیون جریده نداء خلق در یک جلد و باز نشر آن از طریق صفحه انترنیتی راه پرچم اولین قدم در این راه است، امیدواریم موفق شویم تا سایر نشرات مطبوع آن دوره ها را که خوشبختانه توسط عده از افراد و سازمانهای خیرخواه و خیر اندیش دستیاب و از آرشیف ها بیرون و سکن شده، بصورت وسیع پخش و در اختیار هموطنان قرار دهیم.

با ختم جنگ جهانی دوم، با وجود که کشور ما مستقیماً درگیر آن جنگ نبود، اما پیامدهای نکتیبار و بحران اقتصادی ناشی از آن به پیمانته وسیع در زندگی مردم احساس میشد؛ با اضافه خشکالی های سال های 1943 - 1944 و سرمای بی سابقه سال مابعد آن سبب بلند رفتن مواد قیمت مواد غذایی و گسترش فقر گردیده و توأم با آن فشار و اختناق دوره حکمرایی هاشم خان (دوره استبداد کبیر) سبب نارضایتی وسیع در کشور گردیده بود. در چنین وضع خاندان حکمران و مشاورین بیرونی آن برای تداوم حاکمیت خاندانی و برای جلوگیری از عکس العمل شدید مردم و قیام آنها، تدابیری دفع الوقت تازه را روی دست گرفت و در همین جهت، قدم نخستین دور ساختن مستبد کبیر هاشم خان و جانشین شدن برادراندر او، شاه محمود خان وزیر حربیه به جای او و بیرون کشیدن ظاهر شاه از انزوای دوامدار سیاسی و اداری و تا اندازه دادن صلاحیت اجرایی برای نامبرده بود.

سردار هاشم خان خلاف میلش و تقریباً در نتیجه کودتای درون خانوادگی از پست صدارت (روز ۱۹ ثور ۱۳۲۵) معزول و برادرش شاه محمودخان جانشین او شد. میر محمد صدیق فرهنگ در باره این تغییر در دربار می نویسد: «صدراعظم (هاشم خان) به آسانی تسلیم نشد و در آخر کار استعفا در حالی بر او تحمیل شد که افراد اردو اطراف قصر صدارت را احاطه کرده بودند.»

صدراعظم تازه، اصلاحات نیم بند و موقتی را روی دست گرفت و به گفته زنده یاد غبار مجبور شد «با مردم از راه مدارا پیش آید و با ریفورمهای کوچک و ناچیزی آنان [مردم] را مشغول نگهدارد و اساس حکومت نظامی بیک حکومت نیمه نظامی اما زیر نقاب شبه دموکراتیک مبدل شد.»

در این دوره که بعضی ها آنرا "دموکراسی اول" نامیده اند؛ در سال ۱۳۲۸ انتخابات آزاد بلدییه ها، صورت گرفت و شماری از نمایندگان غمخوار مردم با رای مردم در شورای بلدییه انتخاب شدند. همچنان در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در انتخابات آزاد سری و مستقیم برای دوره هفتم شورای ملی (۱۳۲۸ - ۱۳۳۱ خورشیدی) ده ها تن از روشنفکران طرفدار دموکراسی و شاهی مشروطه از جمله داکتر عبدالرحمان محمودی، امکان یافتند تا با رای مردم در پارلمان حضور یابند.

با استفاده از فرصت بدست آمده روشنفکران آزادیخواه، تشکل های سیاسی قبلی مخفی را علنی و به حیث جمعیت ها و احزاب شروع به فعالیت نموده و خواست های برحق مردم را به اشکال گوناگون از تریبون پارلمان تا نشر مضامین در نشریات مطبوع مطرح ساختند. این تشکل های سیاسی با انفاذ قانون مطبوعات (ماه جدی سال ۱۳۲۹) که به شکل محدود آزادی مطبوعات در آن تضمین شده بود، جراید بیانگر خواستها و اهداف خود را منتشر کردند. چنانچه "حزب وطن" به رهبری میرغلام محمد غبار نشریه "وطن"، "حزب خلق" به رهبری داکتر عبدالرحمن محمودی "جریده نداء خلق"، ویش زلمیان نخست "نشریه "انگار" به مدیریت مسؤل فیض محمد انگار و بعد از مصادره آن، جریده "ولس" به مدیریت مسؤل گل پاچا الفت را طبع و توزیع مینمودند.

خواست مشترک همه این جراید حمایت از استقلال، تعمیل دموکراسی، آزادی، رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و در کل شاهی مشروطه بود. البته باوجود این وجوه مشترک، این جراید از لحاظ شیوه تبلیغ، تحلیل وضع وطن و موضعگیری ها در مقابل سیاست های حکومت، با یکدیگر تفاوت هایی نیز داشتند.

این جراید باوجود امکانات بسیار محدود (از لحاظ امکانات چاپ، قطع و صحافت و تیراژ در مقایسه با جراید سرکاری / دولتی)، به سرعت هواخواهانی بیشماری را در سرتاسر کشور پیدا و دست بدست میشدند و نسبت علاقمندی بیش از حد مردم و محدودیت تیراژ، در بیشتر نقاط افغانستان با دستنویسی و کاپی کردن تکثیر میگردیدند.

قابل یادآوری است که در این زمان، شماری دیگری از جراید غیردولتی از جمله نیلاب، آیین، اتوم، صدای ملت، پامیر، پیام افغان و الفبا، نیز برای مدت کوتاهی نشر شدند؛ اما از محبوبیت همگانی در بین مردم برخوردار نشدند.

جریده نداء خلق

شماره اول جریده نداء خلق بتاريخ 12 حمل سال 1330 نشر گردید. صاحب امتیاز جریده داکتر عبدالرحمن محمودی و مدیرمسؤل آن انجنیر ولی احمدعطایی (داماد او) بود. (در بعضی نوشته ها از جمله برنامه بی بی سی مورخ 24 اکتبر 2011 / 02 عقرب 1390، مدیر مسؤل آن عبدالحمید مبارز، معرفی شده درحالیکه موصوف تنها یکی از همکاران و خبرنگار آن جریده بوده است.)

عنوان "نداء خلق" با خط نستعلیق برنگ سرخ تحریر گردیده و سایر مقالات آن به شکل تایپ گسستنر تحریر و جریده هفته دویار به حیث "نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی" به روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زبانهای پشتو و فارسی با تیراژ در حدود 1500 شماره در مطبعه گسستنر شخصی نداء خلق در کابل چاپ میشد.

جریده در چهار تاهشت صفحه چاپ و قیمت یکشماره آن از 10 پول تا یک افغانی بود. همکاران جریده میرغلام محمدغبار، عبدالحمیدمبارز، محمد یوسف آیین، محمد نعیم شایان، غلام حسن صافی، گل پاچا الفت و شماری قلم بدستان دیگر بوده اند.

در شماره اول، مرام جریده به قلم دکتور محمودی چنین بیان شده است: «نامه ندای خلق خادم خلق - رهنمای مردم بااساسات دیموکراسی و مبارز حقوق خلق است - نامه نداء خلق راه حصول حکومت خلق - توسط خلق و برای خلق را بمردم نشان میدهد - متکی بر اساسات دیموکراسی - تأمل ما برای رویکار آوردن یک شورای اساسی و آزاد - انتخابات آزاد - تأمین تعادل اساسی در بین قوای ثلاثه سعی و نشریات نموده و در این ساحه خود را مدافع حقوق خلق میشناسد. ...»

...فدا کاری با نشتر قلم در راه حفظ، تمامیت خاک و ضمانت ناموس وطن و حقوق و نوامیس مشروطیت از فرایض اولیه نامه نداء خلق است...

...تأمین دموکراسی حقیقی و ادراک حس مسوولیت اجتماعی و پابندی و عشق به قانون و نظم و دشمنی با تشدد و اغتشاش و بی نظمی که مخالف مرام و اساس دموکراسی است میتواند سعادت و خوشبختی را به آغوش کشیده مظالم و سیاه روزی را بر طرف ساخت. این است روح مرامنامه نداء خلق که بلا تفریق نژاد و مظهر احساس و عواطف و افکار قوم از آمو تا سند بوده و حاضر است هرگونه مقالات و تنقیدات و شکایات مردم را بر روی این اساس بپذیرد - و من الله التوفیق، محمودی.»

جریده نداء خلق مجموعاً 29 شماره اقبال نشر یافت و بعد از شماره 29 و در آستانه ی دوره هشتم مجلس شورای ملی به جرم " چاپ مرامنامه ی حزب خلق" در 16 سرطان 1330 مصادره گردید.

حزب خلق:

در شماره 29 جریده ندای خلق مورخ 16 سرطان مرانامه حزب خلق نشر گردیده و در آن تذکر رفته است که «حزب خلق حزب ملی و بر اساسات دموکراسی بنا یافته و برای تأمین غایه ی حقیقی دموکراسی یعنی حکومت خلق توسط خلق و برای خلق مبارزه می کند. تأمین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم ، رفع مظالم از خلق، تأمین یک حیات اجتماعی مأمون و مصوون، نشر معارف عمومی، تأمین یک حیات صحی اساسی، تأمین آزادی فکر و بیان و نشرات، تولید عدالت اجتماعی در کار و ارتقای حقوق سیاسی از وظایف اساسی و اولیه ی حزب است...

حزب خلق وحدت ملی را اساس فرایض خود قرار داده و لذا تمام افرادی را که در حدود سیاسی افغانستان زیست می نمایند بلاتفریق نژاد، زبان، و رنگ و پوست همه را یک وجود واحد شناخته و در مقابل قانون دارای حق مساوی دانسته و هرگونه امتیازخواهی و تفرق جویی را منافی عدالت اجتماعی و اساسات دموکراسی می داند...

حزب خلق وفاداری خویش را به اساسات دموکراسی و مشروطیت شاهی اسلامی، از فرایض خود دانسته و لذا تأمین تعادل حقیقی را در بین قوای ثلاثه، با تقنین و روشن ساختن حدود حقوقی در اجتماع و تشریح وظایف دولت و ملت را وجبیه ی خود می شمارد...

از لحاظ ترکیب اجتماعی حزب خلق فراگیر و از روشنفکران، پیشه وران و دکانداران تشکیل شده و مدافع خواستههای آنان بود و موضعگیرهای روشن و قاطع در مقابل دولت و اقدامات آن داشت.

تعداد اعضای حزب خلق را حدود 200 نفر ذکر کرده اند. متأسفانه فعالیت حزب خلق با دستگیری و زندانی شدن داکتر عبدالرحمن محمودی کاندید دوره هشتم شورای ملی (۱۳۳۱ - ۱۳۳۳ خورشیدی)، داکتر محمد رحیم محمودی، محمد عظیم محمودی، امان الله محمودی، داکتر نصرالله یوسفی، محمد نعیم شایان، نور علم مظلوم یارمیدانی، محمد یونس مهدی زاده، محمد سلیمان مهدی زاده، عبدالحمید مبارز و محمد یوسف آینه با شماری دیگر از جمله ی سران حزب خلق که به تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۳۱ بعد از تظاهراتی در اعتراض به نتیجه انتخابات دوره ی هشتم مجلس شورای ملی صورت گرفت؛ خاتمه یافت.

دستگیر پنجشیری می نویسد که داکتر عبدالرحمن محمودی در زندان سازمان سری دیگری را به نام «گوند مردم» تأسیس کرد و از طریق حلقه رهبری آن، پیوند خود را با جامعه، جنبش و نسل نوین مبارزان انقلابی برقرار میکرد.

داکتر عبدالرحمن محمودی در سال 1344 بعد از سپری کردن بیش از ده سال زندان پرمشقت در حالی که سخت مریض و از پا افتاده بود رها و چند ماه بعد از آن وفات کرد. روحش شاد، یادش گرامی و کارنامه اش آینه رهنمایی کننده برای ادامه دهندگان راه و آرمانش بوده و خواهد بود.